



## تحلیلی بر یک رویداد حاشیه‌ای، لها معنادار انتخاباتی

صد و پنجاه سال پیش از این، "هاینریش هاینه" شاعر بزرگ آلمانی شعری سرود که بعداً شعار جنبش کارگران در این کشور شد. ترجیح بند این شعر چنین بود:

"تمام چرخ‌ها از کار باز خواهند ایستاد"

هرگاه که بازوان توانای تو آن را بخواهند!  
صد و بیست سال پیش از این، اعتصاب کارگران شیکاگو به خون کشیده شده و از آن هنگام، هر ساله روز اول ماه مه را در سراسر جهان به نام روز کارگر جشن می‌گیرند و بسیاری کشورها این روز را تعطیل عمومی می‌کنند. مسلم این است که امروز در کشورهای صنعتی و حتی در حال رشد، کارگران حرف اول را می‌زنند و هیچ دولتی بدون موافقت یا دست کم جلب رضایت آنها نمی‌تواند دوام بیاورد.

نمونه توانایی و قدرت کارگران را چند هفته پیش در انتخابات انگلستان مشاهده کردیم که با وجود وضع بحرانی اقتصاد این کشور در چند سال اخیر، حزب کارگر پیروزی چشم‌گیری به دست آورد. راه دور نرویم، در ایران خودمان همه بیاد دارند که اعتصاب کارگران نفت و پالایشگاه‌ها و نیروگاه‌ها و صنایع دیگر چه نقش مؤثری در پیروزی انقلاب داشت.

در همین انتخابات اخیر نیز شاید بتوان نقش مؤثر کارگران را مشاهده کرد. گرچه آمار دقیقی در دست نداریم تا بتوانیم تشخیص دهیم چند درصد کارگران در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده‌اند، لیکن از آنجا که نسبت شرکت‌کنندگان در شهرها بیشتر از روستاها بوده است و ساکنان شهرها بیشتر خانواده‌های کارگراند، می‌توان نتیجه گرفت که بخش اعظم کارگران در این انتخابات شرکت کرده‌اند.

نمونه دیگر برای اثبات این واقعیت، انتخابات

تهران است. در این انتخابات که برای تعیین نفر سنی‌ام نمایندگان تهران انجام گرفت، اشخاص شناخته شده و معروف متعددی در میان نامزدها وجود داشتند که بعضی از آنها پیش از این مشاغل مهمی در نظام کنونی داشته‌اند، و یا با آرای عمده‌ای در دوره‌های پیشین مجلس شورای اسلامی برگزیده شده بودند؛ مانند حجت‌الاسلام منتجب‌نیا که در چند دوره گذشته نمایندگی داشته و حتی عضو هیأت رییس مجلس هم بوده است. یا آقای راه‌چمنی که در دوره پنجم رهبر و سخنگوی فراکسیونی بوده است. هر دو نفر فوق هم مانند آقای علیرضا محجوب و ابسته به جنبش دوم خرداد بوده‌اند. بسیاری از مفسران پیش‌بینی می‌کردند که یکی از آقایان منتجب‌نیا یا راه‌چمنی انتخاب خواهند شد، اما نتیجه قرائت آرا خلاف آن را نشان داد، بدین ترتیب که آقای محجوب با بیش از ۶۵۷ هزار رأی، یعنی ۲۱۲ هزار رأی بیش از آقای راه‌چمنی و ۲۱۵ هزار رأی بیش از آقای منتجب‌نیا انتخاب شد. چه دلیلی برای این تفاوت فاحش آراء می‌توان یافت؟! هر سه نفر نماینده مجلس پنجم و جزو اقلیت طرفدار آقای خاتمی بوده‌اند. هر سه نفر در این انتخابات نیز جزو اقلیت طرفدار آقای خاتمی بوده‌اند. هر سه نفر در این انتخابات نیز جزو نامزدهای جنبش دوم خرداد بوده‌اند. پس این تفاوت فاحش در آراء آنها را چگونه می‌توان توجیه کرد؟ تنها یک فرق مهم میان آقای محجوب و آن دو نفر وجود دارد و آن وابستگی وی به "خانه کارگر" و روزنامه "کار و کارگر" است. آیا این وابستگی علت آن تفاوت فاحش در آراء بوده است؟ اگر چنین است، باید پذیرفت که موفقیت آقای محجوب مدیون آراء بالای کارگران بوده است. فراموش نکنیم که آقای محجوب همیشه خود را مدافع کارگران معرفی می‌کرده و در تبلیغات انتخاباتی خود عمدتاً روی این امر تکیه داشته است.

به هر حال، شکی نیست که کارگران بخش مهمی از شهرنشینان را تشکیل می‌دهند و نقش عمده‌ای در جامعه ایفا می‌کنند و هیچ حکومتی، هیچ دولت و مجلسی نمی‌تواند کارگران و نیازهایشان را ندیده بگیرد. کارگران هم در دوران انقلاب و هم در زمان جنگ تحمیلی با تمام توان به نظام جمهوری اسلامی کمک کرده‌اند. آنها اکنون انتظار دارند این نظام و مسئولان آن به خواست‌های آنها، یعنی حداقل حقوق مدنی و اجتماعی‌شان توجه کند. هیچ کارگری نمی‌خواهد در شرایط کنونی که این نظام با تنگناها و مشکلات داخلی و خارجی درگیر است برای آن مسئله آفرین باشد. اما وقتی دست‌مزد آنها و تعهدات دیگری که کارفرما (اعم از بخش عمومی یا خصوصی) در برابر آنها دارد، انجام نمی‌گیرد، وقتی مزد و حقوقشان چند ماه پرداخت نمی‌شود، وقتی شکم خودشان و زن و بچه‌هایشان گرسنه می‌ماند، ناچار فریاد اعتراضشان بلند می‌شود و دست به دامن مجلس و مقامات دولتی می‌شوند. دولت و مجلس باید به اعتراض کارگران نساجی شهرری، کفاشی بنیاد مستضعفان، جهان‌چیت و مانند آنها توجه کنند، نه اینکه همان روش خشونت‌آمیزی را که چندی پیش نسبت به کارگران معترض و شاکی پالایشگاه تهران به کار بستند، تکرار کنند!!

از سوی دیگر، کارگران میهن‌مان نیز باید دریابند که تا زمانی که آنها به مقام و نقش حیاتی خود در جامعه پی نبرده‌اند، تا زمانی که وحدت و انسجام صنفی خود را برقرار نساخته‌اند، تا زمانی که صفوف خود را در اتحادیه‌های واقعی و مستقل متشکل نکرده‌اند، نباید انتظار داشته باشند دیگران از آنان دفاع و دردهایشان را درمان کنند.

انور خامه‌ای